دوفصلنامه ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد
دوره ۵، شماره ۲، تابستان و پاییز ۲۰۲۳
صص: ۲۸۱-۲۵۶

گزارش نشست تخصصی پیرامون «جنگ دوازده روزه اسرائیل و ایران»

حمیدرضا نظری*

DOI: 10.22034/iruns.2025.231378

چکیده

منازعه دوازده روزه میان ایران و اسرائیل و ورود مستقیم ایالات‌متحده به این درگیری، بار دیگر بنیان‌های نظم حقوقی بین‌المللی، به‌ویژه اصل منع توسل به‌زور را به چالش کشید. یادداشت حاضر که با هدف ارائه چارچوبی جامع و تحلیلی مبتنی بر سخنرانی‌های متخصصان حقوق و روابط بین‌الملل در نشست تخصصی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد پیرامون «جنگ دوازده روزه اسرائیل و ایران» در تاریخ ۱۷ تیر ۱۴۰۴ در محل خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد، به بررسی ابعاد گوناگون این منازعه از منظر حقوق بین‌الملل می‌پردازد. در بخش اول، نگاهی تاریخی به روابط ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نقش آن در بستر منازعه اخیر ارائه می‌دهد. بخش دوم، به ماهیت «تهدید به‌زور» در حقوق بین‌الملل، معیارهای اعتبار آن، دشواری انتساب شعارهای سیاسی به دولت‌ها، و دکترین «بقاء دولت» در بستر ادعاهای متقابل ایران و اسرائیل اختصاص دارد. در بخش سوم، بدعت‌گذاری ایالات‌متحده در مفهوم‌سازی و اعمال «دفاع مشروع پیش‌دستانه» و «پیشگیرانه» و تلاش برای تبدیل آن به رویه‌ای عرفی تحلیل می‌شود. بخش چهارم، به چالش‌های اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در این رویارویی، از جمله تشخیص آغاز مخاصمه مسلحانه، حمله به تأسیسات هسته‌ای و هدف قرار دادن دانشمندان غیرنظامی می‌پردازد.

* این مقاله توسط آقای حمیدرضا نظری، عضو کمیته جوانان انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، تنظیم شده است.

در نهایت، بخش پنجم، مفهوم جاسوسی در زمان صلح و جنگ، وضعیت حقوقی جاسوسان، و نقد قوانین داخلی شتاب‌زده ایران در این حوزه را بررسی می‌کند. این مقاله تأکید می‌کند که علی‌رغم یأس ناشی از نقض مکرر قواعد بنیادین، دفاع از حقوق بین‌الملل همچنان ابزاری ضروری و قدرتمند برای کشورهایی نظیر ایران است. این جلسه در میان جمعیت انبوهی از پژوهشگران با سخنرانی آغازین و خیر مقدم خانم دکتر مصفا رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل افتتاح و با پرسش و پاسخ میان حضار و سخنرانان خاتمه یافت.[1]

مقدمه

منازعه دوازده‌روزه ژوئن ۲۰۲۵ میان ایران و اسرائیل، با مداخله مستقیم ایالات متحده، چالشی عمیق برای اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، به‌ویژه ممنوعیت توسل به زور مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد، ایجاد کرد. این درگیری که در بستر تنش‌های دیرینه منطقه‌ای و اتهامات مرتبط با اشاعه هسته‌ای رخ داد، شکنندگی قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه و ضرورت دفاع از حاکمیت کشورها را آشکار ساخت. این مقاله مبتنی بر بینش‌های نشست تخصصی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در ۱۷ تیر ۱۴۰۴ در تهران، چارچوبی تحلیلی برای بررسی ابعاد حقوقی این بحران ارائه می‌دهد. این نشست، با حضور متخصصان برجسته و پرسش و پاسخی پویا، به واکاوی جنبه‌های چندگانه منازعه پرداخت که در این مقاله طی پنج بخش تنظیم شده است:

۱. نگاهی تاریخی به روابط ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: این بخش به بررسی شکل‌گیری و تکامل تاریخی تنش‌ها میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پرداخته و نقش آن را به عنوان محرک درگیری‌های اخیر روشن می‌سازد.

[1] آقای کوروش احمدی «دیپلمات پیشین وزارت امور خارجه»، دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی «عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی»، دکتر محسن عبداللهی «عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی»، دکتر پوریا عسکری «عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی» و دکتر حسن سواری «عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس» و سخنرانان این نشست بودند که در ادامه متن سخنرانی ایشان به عنوان فصول مختلف این مقاله آمده است.

۲. مفهوم «تهدید به زور» در حقوق بین‌المللی و چالش‌های انتساب آن: این بخش به بررسی مفهوم «تهدید به زور» در حقوق بین‌المللی و چالش‌های انتساب آن و همچنین دکترین «بقای دولت» می‌پردازد. هدف از این بخش پرتو افکندن بر تفسیرهای مختلف از این اصل و تأثیر آن بر توجیه اقدامات نظامی یا سیاسی دولت‌ها است.

۳. نقد بدعت‌گذاری ایالات متحده در دفاع مشروع پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه و تبدیل آن‌ها به رویه‌ای عرفی می‌پردازد. همچنین چالش‌های حقوقی ناشی این رفتارها و تأثیر آن بر مشروعیت اقدامات نظامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴. ارزیابی چالش‌های حقوق بشردوستانه از جمله حملات به تأسیسات هسته‌ای و دانشمندان غیرنظامی: ضمن بررسی چالش‌های حقوق بین‌المللی بشردوستانه در این رویارویی به موضوعاتی همچون تشخیص آغاز مخاصمه مسلحانه، مشروعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای، و هدف قرار دادن دانشمندان غیرنظامی را مورد بحث قرار می‌دهد.

۵. جاسوسی در حقوق بین‌الملل و قوانین داخلی ایران: این بخش به بررسی مفهوم جاسوسی در زمان صلح و جنگ، وضعیت حقوقی جاسوسان، و نقد قوانین داخلی شتاب‌زده ایران در این حوزه می‌پردازد.

این پژوهش تلاش می‌کند تا با تحلیل دقیق و علمی ابعاد حقوقی و سیاسی منازعه دوازده‌روزه ایران و اسرائیل، به درک بهتری از چالش‌های پیش روی حقوق بین‌المللی در مواجهه با بحران‌های معاصر دست یابد و اهمیت دفاع و پایبندی به حقوق بین‌الملل را به عنوان ابزاری حیاتی برای کشورهایی چون ایران در دفاع از حاکمیت خود را در مواجهه با این چالش‌ها برجسته کند.

۱) روابط ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: بستر یک منازعه

در بستر این جنگ، موضوع سیر برنامه هسته‌ای ایران و مناسبات آن با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از اهمیت محوری برخوردار است. از همین روی، آقای کوروش احمدی دیپلمات پیشین وزارت امور خارجه، به شرح این تاریخچه و تاثیر آن بر مخاصمه ایران و اسرائیل پرداخت. روابط

ایران و آژانس از شکل‌گیری اولیه آژانس در ۱۹۵۷ تا امروز چالش‌های متعددی تجربه کرده است ارتباط ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از دهه ۱۳۳۰ خورشیدی آغاز شده و همواره تحت تأثیر توسعه برنامه هسته‌ای این کشور و تحولات سیاسی منطقه قرار داشته است. با تصویب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در دهه ۱۹۶۰، ایران نیز در سال ۱۹۷۰ (۱۳۵۰ خورشیدی) به این پیمان پیوست و در سال ۱۹۷۴، موافقت‌نامه پادمان[۲] را با آژانس امضا کرد. در این چارچوب، همکاری ایران و آژانس شروع شد که تا سال ۲۰۰۲ مسیر عادی را طی کرد.

۱-۱) کشف نطنز و تعلیق غنی‌سازی

با افشای فعالیت‌های غنی‌سازی نطنز در مرداد ۱۳۸۱ (اوت ۲۰۰۲) دوره‌ای از تنش‌ها آغاز شد. در سال ۲۰۰۳، البرادعی، مدیرکل وقت آژانس، در گزارشی به «نقض متعدد و طولانی‌مدت پادمان» توسط ایران اشاره کرد[۳] و آژانس فعالیت ایران در نطنز را تخلف از عدم اطلاع‌رسانی مطابق دستور العمل کد اصلاحی ۳.۱ دانست.[۴] درحالی که ایران بیان می‌داشت که به اصلاحیه این کد نپیوسته و الزامی به اطلاع‌رسانی پیش از وارد کردن مواد هسته‌ای به تأسیسات جدید نداشت. با این حال آژانس از ایران خواست تا شفافیت کامل‌تری در مورد برنامه‌اش به عمل آورد.

در نهایت این موضوع منجر به مذاکراتی بین ایران و سه کشور اروپایی شد که به توافق سعدآباد (۲۰۰۳) انجامید و ایران در آن تعهد کرد فعالیت‌های غنی‌سازی را بصورت داوطلبانه موقتاً تعلیق کند و پروتکل الحاقی را بپذیرد. علاوه بر آن، شورای حکام آژانس در اکتبر ۲۰۰۳ از ایران خواست برای اعتمادسازی، غنی‌سازی و بازفرآوری اورانیوم را به حال تعلیق درآورد. ایران نیز موافقت‌نامه پادمان را تکمیل و پروتکل الحاقی را در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳ امضا کرد. دبیر کل وقت آژانس، محمد البرادعی، در گزارش خود به شورای حکام تاکید کرد که این گام‌ها –از جمله

[2] Safeguards Agreement

[3] International Atomic Energy Agency. (2003). Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran (GOV/2003/75). https://www.iaea.org/sites/default/files/documents/gov2003-75.pdf

[4] International Atomic Energy Agency. (2003b). *Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran* (GOV/2003/75), paras. 32–34. https://www.iaea.org/sites/default/files/documents/gov2003-75.pdf

تعلیق غنی‌سازی– مثبت و خوشایند است و آژانس امیدوار است این تعهدات تداوم یابد.[5] این امر موجب فروکش کردن بحران شد اما به دلیل عدم تحقق انتظارات ایران از همکاری‌های غرب، دوام نیاورد و ایران در مرداد ۱۳۸۴(۲۰۰۵)، فک پلمب مراکز غنی‌سازی را اعلام و تعلیق را لغو کرد.

۲-۱) ارجاع پرونده به شورای امنیت و تحریم ها

با روی کار آمدن دولت جدید ایران در سال ۲۰۰۵ و پایان دوره تعلیق، ایران غنی‌سازی را در نطنز از سر گرفت. این اقدام به سرعت باعث شد پرونده هسته‌ای ایران در شورای حکام مطرح و در نهایت در فوریه ۲۰۰۶ به شورای امنیت ارجاع شود. در سال ۲۰۰۶، شورای امنیت در قطعنامه ۱۶۹۶ [6](۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶) با انعکاس همان درخواست شورای حکام، از ایران خواست برنامه غنی‌سازی را متوقف کند.[7] ایران به این درخواست عمل نکرد و در دسامبر همان سال، قطعنامه ۱۷۳۷[8] (۱۳۸۵خ) تحریم‌هایی را علیه ایران وضع کرد که شامل ممنوعیت فروش تجهیزات مرتبط با غنی‌سازی و توقیف دارایی‌های افراد و شرکت‌های مرتبط می‌شد.[9]

---

[5] Ibid., paras. 54-55.

[6] United Nations Security Council. (2006, July 31). *Resolution 1696* \[S/RES/1696(2006)]. United Nations. [https://undocs.org/S/RES/1696(2006)]

[7] شورای امنیت در قطعنامه ۱۶۹۶ از ایران خواست تا فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند، زیرا این فعالیت‌ها می‌توانند کاربرد نظامی داشته باشند و موجب نگرانی بین‌المللی شده‌اند. همچنن شورا نگرانی خود را نسبت به گزارش‌های متعدد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره عدم شفافیت ایران در برنامه هسته‌ای‌اش ابراز و بر تعهد اعضا به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تأکید کرد و حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را برای کشورها به رسمیت شناخت. همچنین ذکر شد که در صورت عدم همکاری ایران، ممکن است اقدامات بیشتری از جمله تحریم‌ها در نظر گرفته شود.

[8] United Nations Security Council. (2006, December 23). [S/RES/1737(2006)]. United Nations.[https://undocs.org/S/RES/1737(2006)]

[9] قطعنامه ۱۷۳۷ بر اساس ماده ۴۱ فصل هفتم منشور سازمان ملل، با تشخیص این که خطرات اشاعه‌ای ناشی از برنامه هسته‌ای ایران تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است، صادر شد و ایران را ملزم به تعلیق فعالیت‌های حساس هسته‌ای از جمله غنی‌سازی اورانیوم و بازفرآوری، به‌منظور اعتمادسازی نسبت به ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای نمود و تحریم‌هایی بین‌المللی شامل ممنوعیت فروش، تأمین یا انتقال فناوری‌ها و مواد مرتبط با برنامه هسته‌ای و موشکی ایران و توقیف دارایی‌های اشخاص، نهادها و شرکت‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای و موشکی ایران را اعلام کرد. برای این منظور کمیته تحریم‌ها، موسوم به «کمیته ۱۷۳۷» برای نظارت بر

۳-۱) ابعاد نظامی احتمالی و برجام

در نوامبر ۲۰۰۷، جامعه اطلاعاتی ایالات متحده گزارشی از ابعاد فعالیت‌های هسته‌ای نظامی ایران ارائه کرد و در ضمن آن بیان داشت که این برنامه تا حدود سال ۲۰۰۳ ادامه داشته اما پس از آن «متوقف شده است»[۱۰]. در فوریه ۲۰۰۸، البرادعی در گزارش خود (۳ فوریه) به طور ضمنی ابعاد نظامی احتمالی فعالیت‌های هسته‌ای[۱۱] را مطرح کرد و خواستار پاسخ‌گویی شفاف ایران در این زمینه شد. این مسئله تا دوره مذاکرات برجامی و اجرایی شدن تعهدات آن (ژانویه ۲۰۱۶) ادامه یافت که در نهایت با استفاده از فضای مساعد آن و «درایت تیم مذاکره‌کننده ایرانی» و با یک «توافق جانبی» با آژانس، این مسئله حل شد و پذیرفته شد که «اگر هم بوده مربوط به گذشته است».

۴-۱) خروج آمریکا از برجام و سایت‌های اعلام نشده

با خروج ایالات متحده از برجام در می ۲۰۱۸، مجدداً تنش‌ها بالا گرفت. مدتی بعد به تدریج اخباری مبنی بر وجود سایت‌های (تورقوزآباد، ورامین، مریوان(آباده) و لویزان-شیان) اعلام‌نشده مطرح شد و آژانس مدعی گردید که بر اساس اطلاعات ماهواره‌ای، منابع علنی و اطلاعات کشورهای عضو (احتمالا از جمله اسناد ادعایی سرقت‌شده توسط اسرائیل در سال ۲۰۱۸)، این سایت‌ها میزبان فعالیت‌های هسته‌ای بوده‌اند و در نهایت در ژوئن ۲۰۲۰ با صدور قطعنامه‌ای خواستار دسترسی به این سایت‌ها شد.[۱۲] آژانس در بازدیدهای خود اعلام کرد که در سه سایت مریوان و لویزان و ورامین ذرات اورانیوم ساخته دست بشر کشف کرده و از ایران خواست

اجرای تحریم‌ها و بررسی گزارش‌های مربوطه. ایجاد شد. قطعنامه، درنهایت با تأکید بر راه‌حل‌های مذاکره‌شده و پیشنهادات ارائه‌شده توسط گروه ۱+۵، دعوت به ادامه مذاکرات دیپلماتیک نمود.

[10] National Intelligence Council. Iran: Nuclear Intentions and Capabilities. National Intelligence Estimate, November 2007 (http://www.dni.gov/press_releases/20071203_release.pdf) also Available via nytimes

[11] Possible Military Dimensions

[12] International Atomic Energy Agency. (2020). Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran (GOV/2020/15),https://www.iaea.org/sites/default/files/documents/gov2020-15.pdf

توضیحات معتبر فنی در مورد ورود این ذرات و دستگاه‌ها و مواد و اقلام و تجهیزاتی که در این چهار سایت استفاده می‌شده است، ارائه دهد. ایران در پاسخ اعلام کرد که هیچ‌گونه فعالیت هسته‌ای در این مکان‌ها انجام نشده و منشأ ذرات ناشی از خرابکاری خارجی یا «پلنتینگ» با قصد متهم کردن ایران است.

۵-۱) گزارش‌های بازرسان، گروسی و مسئله افزایش غنای اورانیوم

بر اساس گزارش‌های بازرسان، آژانس بیان کرد که این سه سایت (به غیر از تورقوزآباد) بخشی از برنامه اعلام‌نشده هسته‌ای ایران بودند که تا اوایل دهه ۲۰۰۰ فعال بودند و تجهیزات آن‌ها بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸ به تورقوزآباد و سپس به مکان‌های نامعلوم دیگر منتقل شده‌اند. بر اساس این گزارش‌ها و گزارش گروسی در نهایت قطعنامه‌هایی در ژوئن ۲۰۲۲[۱۳]، نوامبر ۲۰۲۲[۱۴] و می ۲۰۲۴[۱۵] و نهایتاً نوامبر ۲۰۲۴[۱۶] در ارتباط با همین موارد از طرف شورای حکام صادر شد.

---

[13] International Atomic Energy Agency. (2022a). Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran GOV/2022/34, https://www.iaea.org/sites/default/files/documents/gov2022-34.pdf

این گزارش عدم رعایت توافق‌نامه پادمان ایران را بررسی می‌کند، با تمرکز بر مواد هسته‌ای اعلام‌نشده در تورقوزآباد، ورامین، مریوان و لواسان‌شیان. ایران توضیحات معتبر برای ذرات اورانیوم ارائه نکرد و مکان مواد هسته‌ای منتقل‌شده از تورقوزآباد در ۲۰۱۸ را اعلام نکرد. آژانس عدم همکاری ایران را علی‌رغم بیانیه مشترک مارس ۲۰۲۲ برجسته کرد و خواستار همکاری کامل شد.

[14] International Atomic Energy Agency. (2022b). Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran GOV/2022/42, https://www.iaea.org/sites/default/files/22/09/gov2022-42.pdf

این گزارش ادامه تحقیقات درباره مواد هسته‌ای اعلام‌نشده در چهار مکان را نشان داد که هیچ پیشرفتی حاصل نشده است. ایران توضیحات معتبر ارائه نکرد و تعهدات CSA را نقض کرد. آژانس عدم تعامل ایران را انتقاد کرد و خواستار اطلاعات درباره مکان مواد هسته‌ای شد، با پیشنهاد اقدامات بیشتر توسط هیئت مدیره.

[15] International Atomic Energy Agency. (2024a). Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran GOV/2022/29 https://www.iaea.org/sites/default/files/24/06/gov2024-29.pdf

این گزارش عدم پیشرفت در حل مسائل پادمانی در تورقوزآباد، ورامین و مریوان را تأیید کرد. ایران اطلاعات جدیدی ارائه نداد، بازرسان با تجربه را محدود کرد و کد اصلاح‌شده ۳.۱ را اجرا نکرد. آژانس خواستار تعامل فوری برای اجرای بیانیه مشترک مارس ۲۰۲۳ شد.

مطابق این اسناد از ایران خواسته شد در مورد سایت‌ها به‌طور کامل با آژانس همکاری کند و به صورت فوری اقداماتی به‌منظور اطمینان از عدم انحراف مواد هسته‌ای و انجام تعهدات قانونی خود انجام دهد و به‌منظور شفاف‌سازی تمام مسائل و اقدامات مشخص‌شده را بدون تأخیر صورت دهد. در گزارش مدیر کل آژانس در باب موافقت‌نامه پادمان NPT با جمهوری اسلامی ایران در می ۲۰۲۵، می‌توان ملاحظه کرد «آژانس هیچ نشانه معتبر و قابل اتکایی از وجود یک برنامه هسته‌ای سازمان‌یافته، اعلام‌نشده و در حال اجرا... در ایران ندارد و به اظهارات عالی‌ترین مقامات ایران مبنی بر این که استفاده از سلاح‌های هسته‌ای با احکام شریعت اسلامی ناسازگار است، اشاره می‌کند» [۱۷]. به هر صورت، همچنان در دو گزارش اخیر همکاری‌های ایران را رضایت‌بخش ارزیابی نکرد و گفت که آژانس نمی‌تواند تأیید کند که فعالیت‌های ایران کاملاً صلح‌آمیز است، زیرا توضیحات معتبری درباره منشا ذرات و تغییرات در مکان و سرنوشت تجهیزات ارائه‌نشده و همچنین به تعدادی از بازرسان با تجربه از جانب ایرن ویزا داده نشده است. البته ایران نیز یادداشت‌های توضیحی در باب ابهامات منتشر شده به دنبال گزارش دبیر کل به شورای حکام منتشر کرد و مثلا در موضوع بازرسان بیان شد که «در حال حاضر تعداد کل ۱۲۰ بازرس منصوب شده در اختیار آژانس جمهوری اسلامی ایران است» که صرفا ویزای چند نفر محدود تمدید نشده است.[۱۸]

همزمان با افزایش تنش‌ها، گروسی در گزارش فصلی راستی‌آزمایی و نظارت بر طبق قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد می ۲۰۲۵[۱۹] علاوه بر ذکر افزایش غنای اورانیوم ۶۰ درصد

---

[16] International Atomic Energy Agency. (2024b). Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran GOV/2022/62 https://www.iaea.org/sites/default/files/24/11/gov2024-62.pdf

این گزارش عدم پیشرفت در حل مسائل پادمانی و ناهماهنگی در اظهارات اورانیوم در تأسیسات اصفهان را برجسته کرد. ایران توضیحات معتبر ارائه نکرد، کد ۳.۱ را اجرا نکرد و همکاری را محدود کرد. آژانس ارجاع احتمالی به شورای امنیت را پیشنهاد کرد.

[17] GOV/2025/25.para.79

[18] https://www.aeoi.org.ir/?news/48466/318330/361971...

[۱۹] این گزارش در می ۲۰۲۵ به صورت محرمانه برای اعضا و شورای حکام فرستاده شد و در ۱۲ ژوئن در صحن شورا قرائت شد.

به ۴۰۸.۶ کیلوگرم، تاکید کرد که «این افزایش قابل توجه تولید و انباشت اورانیوم با غنای بالا توسط ایران که تنها کشور غیرمسلح هسته‌ای تولیدکننده چنین مواد هسته‌ای است، نگرانی‌های شدیدی برانگیخته است.»[۲۰] همین موضوع در قطعنامه شورای حکام نیز انعکاس یافت[۲۱]. به گفته آقای احمدی دو گزارش اخیر گروسی لحنی سیاسی و غیرفنی و هشدارآمیز داشت و قرائت گزارش در ۱۲ ژوئن[۲۲]، عملاً زمینه را برای افزایش فشارها فراهم کرد؛ چنان که حمله اسرائیل در فردای ارائه این گزارش به شورای حکام و تصویب قطعنامه مبتنی بر آن، این گمانه را تقویت می‌کند که اسرائیل حمله خود را با این قطعنامه هماهنگ کرده تا توجیهی بین‌المللی برای اقدام نظامی خود بیابد. این گزارش به شورای امنیت نیز اشاره کرده و بیان داشته که رسیدگی به نقض پادمان در صلاحیت آن نهاد است و هر زمان که نیاز باشد، شورای حکام می‌تواند موضوع ایران را به شورای امنیت ارجاع دهد.

مجموع این تحولات نشان می‌دهد که «مسئله ایران و آژانس» در طول بیش از دو دهه، با فراز و فرودهای سیاسی و حقوقی زیادی مواجه بوده است همچنان که امروز نیز چالش‌های مهمی از جمله حجم غنی‌سازی و اجرای کد اصلاحی ۳.۱ تعهدات ناشی از برجام و یافته‌های ادعایی در مورد سایت‌های اعلام‌نشده و نحوه حسابداری اورانیوم‌های مصرفی و تولیدی و... از جمله چالش‌هایی است که در انتظار حل و فصل نهایی و همکاری‌های بین‌المللی هستند.

۲) ممنوعیت تهدید به استفاده از زور در حقوق بین‌الملل[۲۳]

---

[20] International Atomic Energy Agency. (2025). Verification and monitoring in the Islamic Republic of Iran in light of United Nations Security Council resolution 2231 (2015) GOV/2025/24,PARA34. iaea.org/sites/default/files/25/06/gov2025-24.pdf

[21] International Atomic Energy Agency. (2025). Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran GOV/2025/25 iaea.org/sites/default/files/25/06/gov2025-25.pdf

[22] International Atomic Energy Agency. (2025, June 5). *NPT safeguards agreement with the Islamic Republic of Iran* (GOV/2025/38). IAEA. https://www.iaea.org/sites/default/files/25/06/gov2025-38.pdf

[۲۳] دکتر محسن عبداللهی، دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

در نامه ۲۷ ژوئن ایالات متحده آمریکا به شورای امنیت[۲۴]، شعارهایی نظیر «مرگ بر آمریکا» و «محو اسرائیل»، به عنوان توجیهی برای تجاوزات به ایران مورد استناد واقع شده است. از این رهگذر آقای دکتر عبداللهی با ورود به بررسی مفهوم «تهدید به استفاده از زور» در حقوق بین‌الملل، به موضوع جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل که در ادامه آمریکا هم به آن پیوست، پرداخت.

۱-۲) معنای تهدید:

بند ۴ ماده۲ منشور ملل متحد به طور صریح هر گونه «تهدید به استفاده از زور» را در روابط بین‌الملل ممنوع کرده است. این قاعده بنیادین حقوق بین‌الملل، دولت‌ها را از هر گونه وعده یا هشدار مستقیم یا ضمنی مبنی بر اقدام نظامی بر حذر می‌دارد. چرا که در بینش رایج حقوق بین‌الملل، تهدید به زور عملاً جانشینی برای عمل جنگی است که هنوز رخ نداده است؛ از این رو، اگر تهدیدگر فاقد توجیه قانونی برای اعمال زور باشد، خود این تهدید نیز غیرقانونی تلقی می‌شود. چارچوب‌های تفسیر تهدید بسیار مورد بحث بوده‌اند؛ براونلی در کتاب **حقوق بین الملل و توسل به زور توسط دولت‌ها**[۲۵] در توضیح معنای تهدید می‌نویسد که «وعده صریح یا ضمنی یک دولت برای استفاده از زور مشروط بر عدم پذیرش برخی خواسته‌های آن دولت». به بیان دیگر، تهدید زمانی مشروع محسوب می‌شود که موضوع آن دفاع مشروع باشد (مثلاً بازدارندگی در برابر حمله قریب‌الوقوع) و خود اقدامات تهدیدکننده در چارچوب منطق منافع مشروع دولت باشند. آمریکا این شعارها را در شکایت خود به شورای امنیت مستمسکی برای ادعای تهدید وجودی ایران علیه خود و اسرائیل قرار داده است. البته ضروری است که تهدید به استفاده از زور و تهدید صلح و امنیت بین‌المللی از هم تفکیک شوند. ماده ۳۹ منشور به تهدید صلح و امنیت

[24] United States Mission to the United Nations. (2025, June 27). Letter dated 27 June 2025 from the Chargé d'affaires a.i. of the Permanent Mission of the United States of America to the United Nations addressed to the President of the Security Council (UN Doc. S/2025/426). https://digitallibrary.un.org/record/4084793

[25] Brownlie, Ian International Law and the Use of Force by States,Clarendon Press,1963 ,p5.

بین‌المللی، که مصادیق زیادی داشته و گسترده است، اشاره می کند. برای مثال، شورای امنیت در تعدادی از پنج قطعنامه صادره خود، برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانسته است.[۲۶] یعنی خود داشتن برنامه را به عنوان تهدید شناسایی شده است. این در حالی است که کمتر کسی در حقوق بین‌الملل، چنین برنامه‌ای را تهدید به استفاده از زور در نظر گرفته است.

۲-۲) اعتبار تهدید و دشواری انتساب

تهدید به استفاده از زور، یک مفهوم ذهنی و احساسی است که تأثیر آن به الفاظ، اقدامات دولت تهدیدگر و قدرت و ضعف دولت تهدیدشونده بستگی دارد. از منظر رویه حقوقی، برای این که بتوان این شعارها را تعیین‌کننده دانست، می‌بایست این عوامل را در نظر آورد: ۱) تصمیم‌گیرندگان عالی مانند رئیس‌جمهور یا فرماندهی کل قوا، معمولاً باید صریحاً چنین تهدیدی را بیان کنند تا جدی در نظر گرفته شود و البته تصدیق دیگر قوای مملکتی هم می‌تواند موید این موضوع باشد؛ ۲) به علاوه، لحن و ساختار پیام مهم است. تهدید باید معین باشد. اظهارات مبهم یا کلی‌گویی مانند «همه گزینه‌ها روی میز هستند» معمولاً به عنوان تهدید ناقض منشور ارزیابی نمی‌شوند؛ و ۳) تهدید برای قابل اعتنا بودن باید واقع‌گرایانه بوده و عقلا و منطقا امکان اجرای آن وجود داشته باشد؛ بدین معنی که تهدیدگر توانایی عملی انجام آن را داشته باشد و سوابق و اقدامات گذشته او آن را پشتیبانی کند. به این منظور، عواملی نظیر طول مدت تنش بین دو کشور، اقدامات نظامی هماهنگ در کنار تهدید (مانند اعزام نیرو یا تمرینات نظامی)، حمایت داخلی و

---

[26] *"The proliferation risks presented by the Iranian nuclear programme constitute a threat to international peace and security…"*
1) United Nations Security Council, Resolution 1696 (2006).
2) United Nations Security Council. (2006, December 23). *Resolution 1737* \[S/RES/1737(2006)]
3) United Nations Security Council. (2007, March 24). *Resolution 1747* \[S/RES/1747(2007)]. United Nations. [https://undocs.org/S/RES/1747(2007)]
4) United Nations Security Council. (2008, March 3). *Resolution 1803* \[S/RES/1803(2008)]. United Nations. [https://undocs.org/S/RES/1803(2008)]
5) United Nations Security Council. (2010, June 9). *Resolution 1929* \[S/RES/1929(2010)]. United Nations. [https://undocs.org/S/RES/1929(2010)]

بین‌المللی از تهدیدکننده و نیز سابقه و قدرت نظامی وی موثرند. به عنوان مثال، اگر کشوری توانایی فنی یا استراتژیک لازم (مثلاً در سطح انهدام کامل یک کشور) را نداشته باشد، تهدیدش به خودی خود، بی‌اعتبار است.

انتساب شعارهای مردمی در مراسمی مانند نماز جمعه به دولت ایران از نظر حقوقی دشوار است و نمی‌تواند مستندی برای حمله نظامی به یک کشور باشد. هیچ یک از مقامات عالی‌رتبه ایران به صراحت از قصد نابودی اسرائیل با جنگ‌افزار نظامی سخن نگفته‌اند؛ این شعارها بیشتر واکنشی به مداخلات تاریخی آمریکا و اسرائیل در امور ایران هستند. افعال مجهولی مانند «اسراییل نابود خواهد شد» به سختی می‌تواند مستند حقوقی قرار گیرد و ایران اساساً فاقد قدرت لازم برای نابودی کشورهایی چون آمریکا یا اسرائیل با سلاح‌های متعارف است. آخرین نکته در این قسمت، بی‌اهمیت بودن ادبیات بین رؤسای جمهور در حال جنگ یا تنش است. آنان در هنگام تنش بعضاً یکدیگر را تهدید می‌کنند. به ویژه اگر این تهدید از طرف دولتی ابراز شود که ضعیف باشد. کاملاً مشخص است که این تهدید هم نمی‌تواند معتبر در نظر گرفته شود.

۳-۲) دفاع مشروع در برابر تهدید به توسل به زور و دکترین بقا

صرف تهدید به توسل به زور در حقوق بین‌الملل ممنوع است و نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه *قانونی‌بودن تهدید یا توسل به سلاح هسته‌ای در حقوق بین‌الملل* هم به فهم این موضوع کمک می‌کند. در بند ۴۷ این نظریه دیوان اعلام می‌کند که قانونی بودن یک تهدید تابعی از قانونی بودن توسل به زور است. یعنی اگر خود توسل به زور غیرقانونی باشد، طبیعتاً تهدید به آن هم غیرقانونی است. دولتی که از رهگذر دفاع اقدام به تهدید به توسل به زور می‌کند، مثلا عنوان می‌کند که در برابر تجاوز قاطعانه دفاع خواهد کرد، این نوع تهدید غیرقانونی در نظر گرفته نمی‌شود. زیرا خود دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل غیرقانونی نیست و به تحت شرایطی در منشور و حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته شده است.

باید توجه کرد که در این نظریه مشورتی به نحو ضمنی به دکترین بقای دولت -که غالبا توسط حقوقدانان یهودی مانند آقای مارسلو کوهن ترویج شده است[۲۷]- هم اشاره شده است، صادق است. بر اساس این دکترین، گرچه تهدید یا توسل به سلاح‌های اتمی اصولا در حقوق بین‌الملل اقدامی غیرقانونی است، اما در جایی که بقای یک دولت در «خطر جدی» قرار گیرد، آن دولت می‌تواند بر اساس ماده ۵۱ منشور، برای دفاع از خود متوسل به سلاح هسته‌ای شود.

دکتر عبداللهی اشاره می‌کند که مقامات عالی ایران بر حرام بودن بمب اتم تاکید دارند و در فضای علنی هم حتی تهدید به استفاده آن برای نابودی هیچ دولتی نکرده‌اند. بنابراین برآورد حقوقی این است که هیچ یک از دو رژیم متجاوز اسرائیل و آمریکا نتوانسته‌اند مستند قابل قبولی برای توجیه حملات خود در جنگ ۱۲ روزه علیه ایران در قالب دفاع مشروع ارائه دهند.

شایان ذکر است که اسرائیل حمله خود را نوعی دفاع پیش‌دستانه[۲۸] برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای توصیف کرده است. این دکترین که در منشور ملل متحد جایگاهی ندارد، تنها در صورتی مشروعیت می‌یابد که خطر، واقعی و قریب‌الوقوع باشد که در مورد این مناقشه محرز نیست. چنان که ذکر شد، چنین تهدیدی صورت نگرفته است. زیرا هرچند شعارها و اظهارنظرهای سیاسی در قالب شعارهای ضد اسرائیل و آمریکا، از نظر سیاسی تاثیرگذارند، اما برای توجیه اقدامات و حملات نظامی در قالب دفاع مشروع، کافی در نظر گرفته نمی‌شوند. در واقع، آمریکا و اسرائیل نتوانستند مستندی علیه ایران برای تدارک حمله مسلحانه یا تهدید به آن در قالب حمله‌ای واقعی و قریب الوقوع، ارائه دهند به صورتی که تجاوز آنها به ایران به دفاع مشروع تفسیر شود.

---

[27] Marcelo G. Kohen, "The notion of 'state survival in international law",' in: Laurence Boisson De Chazournes Philippe Sands (edns.), in *International Law, The International Court of Justice And Nuclear Weapons*, 1st edition, Cambridge University Press 1999, pp. 293-315.

[28] Preemptive Self-Defense

۳) بدعت‌گذاری ایالات متحده در توسل به زور و چالش‌های حقوق بین‌الملل[۲۹]

ایالات متحده به عنوان یک بازیگر جهانی، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوقی، سیاسی و نظامی، تلاش کرده است مفاهیم حقوقی را به شیوه مطلوب خود تفسیر کند. دکتر سواری در سخنرانی خود، ایالات متحده را کشوری «متمرد» در قبال حقوق بین‌الملل توصیف می‌کند که در مجموع رفتارهای خود، نه فقط در حوزه توسل به زور، بلکه در تمامی حوزه‌ها، چنین رویکردی را در پیش گرفته است. به گفته ایشان، ایالات متحده فرآیند «بدعت‌گذاری» و «قاعده‌سازی» را در صحنه بین‌المللی دنبال می‌کند. این فرآیند شامل «مفهوم‌سازی» توسط حقوقدانان وابسته، استفاده از اهرم‌های فشار برای کشاندن دولت‌ها به سمت خود، و در نهایت ایجاد «رویه دولت‌ها» است که می‌تواند به شکل‌گیری «قاعده عرفی حقوقی» و حجیت یافتن آن برای همه منجر شود. یک نمونه از این بدعت‌گذاری‌ها در حقوق دریاها، مفهوم PSI[30] است که اجازه بازرسی و توقیف کشتی‌ها به اتهام حمل سلاح یا گروه‌های تروریستی را می‌دهد و مفهوم «مصونیت کشتی‌ها» را کم‌رنگ می‌کند. اما عمدتاً این بدعت‌گذاری‌ها در حوزه حقوق توسل به زور مشاهده می‌شود. نمونه بارز این بدعت‌گذاری، مفهوم‌سازی دفاع مشروع پیش‌گیرانه(Preventive Self-Defense) و دفاع پیش‌دستانه(Pre-emptive Self-Defense) و تلاش برای جا انداختن آن به عنوان یک قاعده عرفی است. این در حالی است که هنوز خود قاعده دفاع مشروع پیش‌گیرانه و پیش‌دستانه،

---

[۲۹] دکتر حسن سواری، دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

[30] Psi یا Proliferation Security Initiative به ابتکار امنیت در برابر گسترش سلاحهای کشتارجمعی اشاره دارد که در سال ۲۰۰۲ به دنبال ناکامی از توقف موشک ارسالی از کره شمالی به یمن در کنفرانسی در لهستان توسط جورج دبلیو بوش مطرح و در ادامه به رهبری ایالات متحده راه‌اندازی شد. هدف اصلی PSI جلوگیری از گسترش تسلیحات کشتار جمعی (WMD) و سیستم‌های انتقال آن‌ها از طریق همکاری بین‌الدولی است که تلاش دارد در قالب قطعنامه‌های شورای امنیت مانند ۱۵۴۰، کشورها را به جلوگیری از گسترش تسلیحات کشتار جمعی ملزم می‌کند. با اینحال منتقدان با توجه به تسهیل رهگیری کشتی‌ها در آب‌های بین‌المللی از طریق توافق‌های دوجانبه که می‌تواند حاکمیت انحصاری پرچم (مواد ۹۲ و ۹۶ UNCLOS) را به چالش بکشد، این رویکرد را تلاشی برای گسترش اختیارات فراسرزمینی بدون اصلاح رسمی رژیم حقوقی دریاها می‌دانند که به تضعیف آزادی دریانوردی و حاکمیت دولت‌ها منجر میشود

به ویژه «پیش‌گیرانه»، محل بحث جدی است. نامه دولت آمریکا به تبع حمله به ایران را نیز باید باهمین نگاه ملاحظه کرد. نامه‌ای که عمق بی نزاکتی دولت آمریکا را نشان میدهد.

مفهوم دفاع مشروع پیش‌دستانه(Pre-emptive self-defense) به حالتی اطلاق می‌شود که حمله مسلحانه «قریب‌الوقوع» و «متقن» باشد و دولت قربانی با دلایل معتبر و بدون وجود جایگزین، پیش از وقوع حمله به دفاع متوسل شود. به گفته دکتر سواری، آمریکا و اسرائیل این مفهوم را به‌خوبی جا انداخته‌اند و حقوقدانان آنگلوساکسون، استرالیایی‌ها و ژاپنی‌ها آن را پذیرفته‌اند، اگرچه دیوان بین‌المللی دادگستری همچنان بر رعایت ماده ۵۱ منشور ملل متحد (که شرط آن وقوع حمله مسلحانه است) تأکید دارد. حقوق‌دانان محافظه‌کار معتقدند که باید از اصل عدم توسل به زور، که یک «ارزش حقوقی و انسانی» است و از طرفی خشونت در روابط اجتماعی همواره زیانبار است، دفاع کرد و مانع شیوع این «روش غلط» شد.

«دفاع مشروع پیش‌گیرانه» (Preventive self-defense) فراتر از آن است و به رفع خطری می‌پردازد که لزوماً «قریب‌الوقوع» نیست، اما دولتی مدعی وجود آن خطر است؛ مثلاً ادعای اسرائیل در مورد برنامه هسته‌ای عراق در ۱۹۸۱ و سوریه در ۲۰۰۷ نمونه‌های عملی این مفهوم هستند که به این نظریه استناد شده است. رفتارهای اخیر آمریکا و اسرائیل در تجاوز به ایران، این بدعت‌گذاری را به شکلی عریان و آشکار به نمایش گذاشته است. نامه آمریکا به شورای امنیت، مستقیماً به دفاع مشروع جمعی برای حملات پیش‌گیرانه استناد کرده است.[۳۱] این نامه حتی شعارهایی نظیر «مرگ بر آمریکا» و «محو اسرائیل» را به عنوان دلیل توسل به زور و توجیه دفاعی خود مطرح کرده است. این درحالی است که چنین شعارهایی در ادبیات سیاسی معمولاً تحریکات سیاسی تلقی می‌شوند و انتساب آن‌ها به عنوان تهدید نظامی دشوار است. دفاع از قواعد حقوقی بین‌المللی، به ویژه اصل عدم توسل به زور، در برابر نقض‌های آمریکا، وظیفه جامعه جهانی است تا از شیوع این روش‌های غلط جلوگیری شود.

[31] United States Mission to the United Nations, Letter, 2025. UN Doc. ….

ایشان همچنین ضمن بررسی متن و لحن نامه بیان داشتند که این نامه اوج بی نزاکتی در تنظیم و نگارش را نشان می‌دهد که گویی این نامه آیینه‌ای تمام‌نما از رهبری آن کشور است. تنظیم‌کنندگان، متن نامه را با همان ادبیاتی که رئیس جمهور آمریکا در کنفرانس‌های مطبوعاتی به کار می‌برد، به نگارش درآورده‌اند؛ موضوعی که احتمالا در تاریخ نمایندگی‌های ایالت متحده بی‌سابقه یا کم‌سابقه باشد.

در پایان این سخنرانی، به اهمیت دفاع از قواعد حقوق بین‌المللی و اصل عدم توسل به زور تأکید شد و بیان گردید که جامعه حقوقی باید از این قواعد دفاع کند و اجازه ندهد که رفتارهای غلط به قواعد جدید تبدیل شوند چرا که این رویکردها تهدیدی برای مشروعیت قواعد بین‌المللی محسوب می‌گردد و پایبندی به حقوق بین‌الملل را با چالش جدی روبه‌رو ساخته است.

۴) حقوق بین‌الملل بشردوستانه در پرتو رویارویی ایران و اسرائیل[۳۲]

رویدادهای اخیر، به ویژه مخاصمه ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، احساس یأس و ناامیدی نسبت به کارایی حقوق بین‌الملل را در پی داشته است، اما در عین حال، لزوم دفاع از آن را برجسته می‌کند؛ زیرا حقوق بین‌الملل قوی‌ترین ابزار در اختیار کشورهایی مانند ایران است که اغلب در موضع دفاع از حق خود قرار می‌گیرند و نباید خودخواسته از این ابزار خودمان را محروم کنیم. ایشان در همین راستا به سه موضوع مطرح در حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جنگ اخیر اشاره می‌کند.

۴-۱) وجود مخاصمه مسلحانه

دکتر عسکری توضیح می‌دهد که طرف مقابل تلاش دارد تا موضوع را از حوزه «حقوق توسل به زور»[۳۳] به حوزه «حقوق حاکم بر مخاصمات مسلحانه»[۳۴] منتقل کند تا اقدامات خود را توجیه نماید. این جریان استدلال می‌کند که ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ آغاز یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی میان ایران و اسرائیل نبوده، بلکه ادامه مخاصمات فعال پیشین بوده است. این استدلال بر این پایه استوار

[۳۲] دکتر پوریا عسکری، دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی.

[33] jus ad bellum
[34] jus in bello

است که حمله اسرائیل به ساختمان کنسولی ایران در دمشق (۱۳ فروردین ۱۴۰۳) و سپس پاسخ ایران و حملات متقابل، نشان‌دهنده تداوم «مخاصمات فعال»[۳۵] است و به دلیل این که جمهوری اسلامی ایران، مدام بر این پافشاری کرده که هر زمان لازم بدانیم جواب می‌دهیم، وضعیت «پایان خصومت‌های فعال»[۳۶] عملاً اتفاق نیفتاده است. ایشان اما با تکیه بر تجربه ایران در قطعنامه ۵۹۸ (پس از جنگ ایران و عراق) مفهوم «مخاصمات فعال» را یک مفهوم «عینی» و نه صرفاً تابع قرارداد آتش‌بس می‌داند و تأکید می‌کند که ۱۳ ژوئن آغاز یک مخاصمه مسلحانه جدید بوده است. البته نظر مخالفی در این زمینه وجود دارد که شروع مخاصمه مسلحانه بین المللی بر مبنای «نظریه شلیک اول»[۳۷] توجیه می‌شود، ولی خاتمه مخاصمه باید رسمیت داشته باشد. استدلال دیگر این است که گروه‌هایی مانند حوثی‌ها، حزب‌الله و حماس، نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی ایران هستند و بنابراین مخاصمات بین‌المللی‌شده از قبل در جریان بوده است. پاسخ به این استدلال آن است که ایران کنترل کلی بر هیچ‌یک از این گروه‌ها را طبق معیارهای حقوق بین‌الملل ندارد. لذا «جنگ روایت‌ها» در شرایط فعلی اهمیت دارد و باید به این گفتمان حقوقی توجه کرد.

۲-۴) حمله به سایت‌های هسته‌ای

با شروع عملیات‌های نظامی وسیع علیه تأسیسات هسته‌ای و مواضع دیگر گروهی با توسل به اصل تفکیک، حملات به سایت‌های هسته‌ای را صرفاً بر اساس ماده ۵۶ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷) که صراحتاً از تأسیسات تولید نیروگاه هسته‌ای و دیگر «سازه‌ها و تأسیسات دارای نیروهای خطرناک» حمایت می‌کند، استناد می‌کردند و آن را ممنوع ارزیابی می‌کردند. اما این رویکرد «ساده‌سازی» کاربردی ندارد، زیرا هیچ کدام از کشورهای ایران و اسرائیل عضو این پروتکل نیستند و این ماده محدود به «نیروگاه اتمی برای تولید برق» است که در مورد سایت‌هایی نظیر نطنز یا فوردو که صرفاً مربوط به تولید سوخت هسته‌ای هستند، عملاً ماده ۵۶

[35] active hostilities
[36] End of Active Hostilities
[37] First Shot Theory

به‌طور مستقیم اعمال نمی‌شود. بنابراین باید به یک تحلیل چند مرحله‌ای استناد کرد. ابتدا برای محکوم کردن حمله به سایت‌های هسته‌ای باید به اصول «حقوق بین‌الملل عرفی» مراجعه کرد. ماده ۵۲ پروتکل الحاقی اول[۳۸] که عرفی است،[۳۹] حمله به «تأسیسات غیرنظامی» را منع می‌نماید و عنوان می‌کند که در صورت تردید در نظامی یا غیرنظامی بودن، باید تأسیسات را غیرنظامی دانست. علاوه بر این، حتی اگر یک سایت هسته‌ای نظامی تلقی شود، باتوجه به «اصل تناسب»[۴۰] که یک اصل بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، حمله‌ای که منجر به «تلفات تصادفی گسترده»[۴۱] شود، ممنوع است. حمله به سایت هسته‌ای، به دلیل خطرات عظیم برای انسان و محیط زیست، مصداق بارز این اصل است و در واقع، آژانس بین‌المللی اتمی و کنفرانس عمومی آن، بارها تأکید کرده‌اند که حمله به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز مطابق منشور ملل متحد و قواعد حقوق بین‌الملل و اساسنامه آژانس کاملاً غیرمجاز است. به عنوان نمونه، قطعنامه‌های ادواری کنفرانس عمومی آژانس GC(XXIX)/RES/444[42] و GC (XXXIV)/RES/533[43]) بر این نکته تأکید

---

[۳۸] ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷): ماده ۵۲ – حمایت از اموال غیرنظامی:۱. اموال غیرنظامی نباید هدف حمله یا اقدام تلافی‌جویانه قرار گیرند. منظور از اموال غیرنظامی کلیه اموالی است که مشمول تعریف هدف‌های نظامی مندرج در بند (۲) ماده ۵۸ نمی‌شوند؛ ۲. حمله‌ها منحصرا باید به هدف‌های نظامی محدود گردد. تا آن‌جا که به اموال مربوط می‌شود، هدف‌های نظامی به اموالی محدود می‌شود که به لحاظ ماهیت، محل، هدف یا کاربرد آن‌ها سهم مؤثری در عملیات نظامی داشته و تخریب کلی یا جزئی، تصرف یا از کار انداختن آن‌ها در شرایط زمانی موجود یک مزیت نظامی معین محسوب گردد؛ و ۳. در صورت تردید نسبت به این که اموالی مانند مکان‌های عبادت، خانه‌ها یا سایر مراکز مسکونی یا یک مدرسه، به طور معمول به مقاصد غیرنظامی اختصاص دارند، باید فرض بر آن باشد که چنین نقشی ندارند، مگر آن که خلاف آن ثابت شود.

[39] Jean-Marie Henckaerts and Louise Doswald-Beck, Customary International Humanitarian Law, Volume I: Rules (Cambridge: Cambridge University Press, 2005), pp 25–34 (Rules 7–9); see also International Committee of the Red Cross, "Customary IHL Database," accessed August 14, 2025, https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1

[40] Principle of Proportionality

[41] Collateral damage

[42] International Atomic Energy Agency. "Resolution GC(XXIX)/RES/444: Protection of Nuclear Installations Devoted to Peaceful Purposes Against Armed Attacks." Adopted September 27, 1985. Vienna: IAEA. https://www.iaea.org/sites/default/files/gc/gc29res-444_en.pdf.

[43] International Atomic Energy Agency. "Resolution GC(XXXIV)/RES/533: Prohibition of All Armed Attacks Against Nuclear Installations Devoted to Peaceful Purposes Whether Under Construction or in Operation." Adopted September 21, 1990. Vienna: IAEA. https://www.iaea.org/sites/default/files/gc/gc34res-533_en.pdf.

کرده که «هرگونه تهدید یا حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز، مغایر با منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل و اساسنامه آژانس محسوب می‌شود».

۳-۴) حمله به دانشمندان

درباره حمله به دانشمندان، برخی ادعا می‌کنند که این حملات مجاز است زیرا دانشمندان با «ساخت بمب» مستقیماً در مخاصمه شرکت می‌کنند. دکتر عسکری این استدلال را رد می‌کند و توضیح می‌دهد که «مفهوم مشارکت مستقیم در مخاصمات»[۴۴] یک مفهوم «فنی» است. طبق نظریه تفسیری صلیب سرخ درباره از دست دادن مصونیت غیرنظامیان و مشارکت در مخاصمات در سال ۲۰۰۹،[۴۵] برای این که غیرنظامی مصونیت خود را از دست بدهد، سه شرط باید برقرار باشد: اقدام او «اثرگذار» باشد؛ «قصد خصمانه» داشته باشد؛ و «رابطه علّی مستقیم» بین اقدام و آسیبی که وارد می‌شود، وجود داشته باشد. وی معتقد است که شرط سوم (رابطه علّی مستقیم) در مورد دانشمندان

---

[44] Direct participation in hostilities

[۴۵] سیاپوش، علی اکبر، **مفهوم مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه**، تهران: شهر دانش، ۱۳۹۴، صص۱۱۱-۱۸۹؛ با توجه به نقش فناوری در تولید تسلیحات، تعیین رابطه علیت میان آزمایش‌های علمی که توسط دانشمندان انجام می‌شوند و عملیات نظامی تقریبا غیرممکن می‌گردد. لذا همواره این خطر وجود دارد تا دولت‌ها در مخاصمات به بهانه مشارکت متخصصان و دانشمندان در طرح‌هایی که می‌توانند به تولید تسلیحات منجر گردند آنان را هدف مشروع نظامی قلمداد کرده، از حمایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه محروم کنند. علیت مستقیم باید در این معنا فهمیده شود که خسارت مورد نظر باید در مرحله‌ای از علیت به وجود آید. لذا یک رفتار منفرد که صرفا ظرفیت وارد آوردن خسارت به دشمن را به نفع یکی از طرف‌ها خلق کرده یا حفظ می‌کند و یا به طریقی دیگر صرفا به طور غیرمستقیم موجب بروز خسارت می‌گردد، از مفهوم مشارکت مستقیم در مخاصمات کنار گذاشته می‌شود. برای مثال، اعمال یک سیستم از تحریم‌های اقتصادی علیه یکی از طرف‌های درگیر در یک جنگ مسلحانه، محروم کردن او از دارایی‌های مالی، یا فراهم کردن مایحتاج و خدمات برای دشمن وی (همچون برق، سوخت، مواد اولیه ساخت و ساز، حمایت مالی و خدمات مالی) ممکن است تاثیری بالقوه مهم اما همچنان غیرمستقیم بر عملیات‌ها یا توان نظامی آن طرف بگذارد. دیگر نمونه‌های مشارکت غیرمستقیم شامل طرح‌ها و تحقیقات علمی همچنین تولید و انتقال سلاح و تجهیزات می‌شود، مگر آن که چنین اقدامی به عنوان جزء مکمل یک عملیات نظامی مشخص به اجرا درآید که مستقیما برای حصول آستانه لازم از خسارت طراحی شده است. اگرچه در خلال نشست‌های تخصصی صلیب سرخ برای تدوین راهنمای تفسیری توافقی کلی بر سر این موضوع وجود داشت که متخصصین غیرنظامی تسلیحات به طور کلی در برابر حمله مستقیم تحت حمایت قلمداد می گردند، اما تردیدهایی در این خصوص مطرح شد که آیا این نتیجه‌گیری در شرایط حاد نیز قابل قبول است، یعنی در شرایطی که متخصصان غیرنظامی دارای ارزشی استثنایی و به طور بالقوه تعیین‌کننده در مورد نتیجه یک مخاصمه مسلحانه هستند.

غیرنظامی که در تأسیسات مخفی فعالیت می‌کنند، به سختی قابل اثبات است؛ چنان که کارگران کارخانه اسلحه‌سازی مصونیت خود را از دست نمی‌دهند. همچنین بسیاری از دانشمندان در منزلشان هدف قرار گرفته‌اند و نه «در حین مشارکت مستقیم». دکتر عسکری در پایان تأکید می‌کند که «سکوت دولت‌ها» و «سازمان‌های بین‌المللی» در مورد نقض حقوق بین‌الملل، پدیده‌ای قابل تأمل است که باید از آن درس گرفت.

۵) جاسوسی: از حقوق بین‌الملل تا قوانین داخلی[۴۶]

موضوع جاسوسی در حقوق بین‌الملل یکی از مباحث کمتر پرداخته شده است که دکتر ضیایی بیگدلی با تشریح این مفهوم در زمان صلح و جنگ، به نقش آن در درگیری اخیر ایران و اسرائیل و تبعات داخلی آن پرداخت.

۵-۱) زمینه بحث

امروزه در زمینه موضوع جاسوسی از منظر حقوق بین‌الملل به زبان فارسی، ادبیات نسبتاً غنی، اعم از کتاب، مقاله، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد و رساله دکتری وجود دارد. شاید اولین پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق بین‌الملل تحت عنوان جاسوسی از منظر حقوق بین‌الملل در دانشگاه علامه طباطبائی در سال ۱۳۸۴ یعنی ۲۰ سال قبل توسط آقای حسن بابایی دفاع شد و استاد راهنمای او من بودم. متعاقباً کارها زیاد شد، از جمله مقالات کوتاه ترجمه‌شده بسیاری در وبگاه آکادمی بیگدلی قرار دارد. در یک عبارت اولیه باید گفت که موضوع جاسوسی چه از دید حقوق بین‌الملل و چه از دید حقوق داخلی و غیرحقوقی از دید روابط بین‌الملل، مطالعات امنیتی و ... هر روز بیش از گذشته مورد بحث و فحص قرار گرفته است. در این‌جا با استفاده از آن منابع و تمرکز بر وقایع دوازده‌روزه و مقررات کیفری ایران، صرفاً نکات مهمی را خدمتتان معروض می‌دارد.

[۴۶] دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی.

۲-۵) جاسوسی در زمان صلح

مفهوم جاسوسی مخصوصاً در زمان صلح مفهومی سهل و ممتنع و بسیار گسترده دارد. جاسوسی در حوزه‌های گوناگون نظامی و امنیتی، اقتصادی، دیپلماتیک، زیست‌محیطی، سایبری، فرهنگی ... متجلی است. در حقوق بین‌الملل، جاسوسی جرم‌انگاری نشده و به‌عنوان جنایت بین‌المللی شناخته نمی‌شود و حتی تعریف جامع‌ومانعی مخصوصاً برای زمان صلح از آن به عمل نیامده است. با این حال، می‌توان با استفاده از قاعده وحدت ملاک در قوانین کیفری داخلی کشورها به یک تعریف کلی و عام رسید. جاسوسی عبارت است از گردآوری پنهانی اطلاعات محرمانه دولتی یک کشور و تسلیم یا گزارش آن به خارج از کشور بر ضد امنیت دولت.

۳-۵) ارکان جاسوسی

قصد جاسوسی؛ متقلبانه بودن عمل؛ تبانی با دولت خارجی یا ایادی آن؛ مأموریت خاص؛ تسلیم اسرار به بیگانه در مقابل اخذ اجرت و پاداش به هر شکل و شیوه‌ای که باشد؛ و آسیب‌رساندن به امنیت کشوری که اطلاعات از آن کسب شده است.

جاسوسی معمولاً جزو جرائم علیه امنیت ملی یا عمومی هر کشوری است. جاسوسی ماهیتاً بخشی از فعالیت‌های عادی و معمولی سرویس‌های اطلاعاتی – امنیتی کشورهاست. در حقوق بین‌الملل، جاسوسی در زمان صلح صریحاً منع نشده، اما به نظر بسیاری از حقوقدانان بین‌المللی، این عمل چون نقض اصولی از حقوق بین‌الملل ازجمله اصل عدم مداخله، اصل احترام به حاکمیت کشورها، اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و ... می‌باشد، لذا ممنوع است و عمل متخلفانه محسوب می‌شود و قابلیت انتساب به کشوری را دارد که جاسوس در خدمت او بوده است؛ منصرف از این که هر کشوری مجاز است عمل جاسوسی را جرم‌انگاری ملی کرده و برای آن مجازات تعیین کند. البته در برخی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل بدون آن‌که صریحاً سخن از جاسوسی به میان آمده باشد، با عباراتی نزدیک به مفهوم جاسوسی، از آن یاد شده است؛ از جمله در حقوق دریاها، حقوق بین‌الملل هوا و فضا و حقوق دیپلماتیک و کنسولی (در این مورد توجه شما را به رأی

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده علیه ایران مورخ ۱۹۸۰ جلب می‌کنم.)

۴-۵) جاسوسی در زمان جنگ

حالت جنگ با اعلان آن از سوی یکی از متخاصمان آغاز می‌شود. البته امروزه اعلان جنگ رسمیت خود را از دست داده و حالت جنگ با شروع مخاصمه در عمل برقرار می‌شود و خاتمه جنگ با آتش‌بس، متارکه جنگ یا ترک مخاصمه و توافق طرفین به صلح تحقق می‌یابد. در این‌جا لازم به یادآوری می‌داند که در دوران مخاصمه نیز مقررات زمان صلح کماکان مجراست، مگر آن که زمینه اجرای چنین مقرراتی فراهم نباشد. جاسوسی در زمان جنگ از حساسیت بیشتری نسبت به زمان صلح برخوردار است و برعکس زمان صلح، در مقررات حقوق بین‌الملل بشر و یا حقوق مخاصمات مسلحانه توجه فزاینده‌ای به موضوع شده تا بدان‌جا که حتی صراحتاً موضوع تبیین گردیده است. طبق آیین‌نامه الحاقی به کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ ناظر به قوانین و عرف‌های جنگی، جاسوس کسی است که به‌طور مخفیانه یا با استفاده از وسایل متقلبانه، اطلاعات را در منطقه عملیاتی طرف دشمن به دست آورد، با قصد انتقال آن به طرف مقابل(ماده ۲۹). اگر فردی که متهم به جاسوسی است قبل از پیوستن به نیروهای مسلح کشور متبوعش دستگیر شود، می‌توان وی را به‌عنوان جاسوس مجازات کرد (ماده ۳۰). نظامیانی که در لباس رسمی نظامی خود اطلاعات جمع‌آوری می‌کنند، جاسوس محسوب نمی‌شوند (ماده ۳۱). دومین سندی که به موضوع پرداخته، پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ است. طبق مواد ۴۶ و ۷۵ آن، جاسوس با تعریف یادشده، از حمایت اسیران جنگی مستثنا است، اما تأکید شده که حتی جاسوسان از حداقل حمایت‌های حقوق بشری برخوردارند؛ بنابراین جاسوسی در زمان جنگ ممنوع نیست، اما جاسوس در صورت دستگیری، فاقد حمایت اسیران جنگی است.

۵-۵) جنگ اسرائیل علیه ایران و موضوع جاسوسی

به‌رغم حالت خصمانه‌ای که طی سال‌ها میان ایران و اسرائیل وجود دارد و به‌رغم تهدید به نابودی اسرائیل توسط مقامات عالی‌رتبه ایران، آن هم طی سال‌های متمادی، و ایضا جنگ‌های

نیابتی که ایران علیه اسرائیل، آن نیز طی سال‌ها به عمل‌آورده است و در مقابل، به رغم تهدید اسرائیل علیه ایران به نابودی تأسیسات هسته‌ای این کشور که به‌نوعی تهدید به توسل به زور است، طی این سال‌ها نه هیچ‌یک از طرفین به دیگری اعلان جنگ رسمی نموده و نه مخاصمه فعال و مستقیمی میان آن‌ها به وقوع پیوسته است. بلکه آغاز این درگیری به حمله اسرائیل به ایران و اقدام متقابل و تدافعی ایران علیه اسرائیل در چند نوبت رفت‌وبرگشت بوده است.

در نتیجه، در ۱۳ آوریل ۲۰۲۴ برابر با ۲۵ فروردین ۱۴۰۳ با شروع عملیات تدافعی وعده صادق یک علیه اسرائیل و حمله پیشین اسرائیل به ایران تا به امروز حالت جنگ میان آن‌ها به‌طور تقریباً فعال جریان دارد و این زمینه‌ساز اجرای مقررات ناظر بر جاسوسی در زمان جنگ است.

۶-۵) قوانین ناظر بر جاسوسی در حقوق ایران:

طبق مواد ۵۰۱ تا ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، جاسوسی برای دول بیگانه حتی در زمان صلح، جرم سنگین محسوب می‌شود و ممکن است مجازات‌های درازمدت و حتی حبس ابد تا اعدام داشته باشد. مفاد این مقررات کمابیش در قوانین کیفری سایر کشورها وجود دارد.

متأسفانه قانون‌گذار ایرانی پس از درگیری‌های مسلحانه متقابل و فعال دوازده‌روزه اخیر و پی‌بردن به این که شناسایی اماکن حساس و محل سکونت برخی فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته‌ای و دادن اطلاعات به اسرائیل در نتیجه فعالیت‌های گسترده و فنی – تسلیحاتی جاسوسان ایرانی و خارجی بوده و به جای این که علاج واقعه قبل از وقوع شود، با شتاب هرچه تمام‌تر در یک نشست‌وبرخاست طرح ۹ ماده‌ای را تحت عنوان طرح تشدید مجازات جاسوسی و همکاری‌کنندگان با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم به تصویب رسانید.

این طرح را می‌توان فاجعه بزرگ و عجولانه قانون‌گذاری ایران دانست که در آن بسیاری از اصول قانون‌گذاری دموکراتیک، اصول حقوق کیفری مدرن، اصول حقوق بشر و بشردوستانه و حتی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی نادیده انگاشته شده و یادآور عصر جاهلیت است؛ عصری که تصور می‌شد مجازات عامل بازدارندگی است، آن هم مجازات اعدام و سربه‌نیست کردن افراد.

به‌واقع ما را چه می‌شود که فرهنگ و تمدن والای ایران و ایران‌زمین مورد انواع هجمه‌ها قرار می‌گیرد و رو به افول می‌نهد. جالب این که این طرح نه‌تنها مورد انتقاد شدید بسیاری از حقوقدانان و وکلای ایرانی قرارگرفته، بلکه حتی مرکز پژوهش‌های خود مجلس شورای اسلامی نیز به آن طرح ایرادات بسیار و بدون نتیجه وارد کرده و مجلس شورای اسلامی جسورانه حتی اعتنایی به نظر بازوی مشورتی خود نکرده و تأسف‌بارتر این که شورای نگهبان که همواره باید پاسدار قانون اساسی باشد، طرح را مورد تأیید قرارداد. (البته در حین سخنرانی، یکی از همکاران متذکر شد که شورای نگهبان امروز طرح را مورد چند ایراد قرار داده است. پس از سخنرانی با مراجعه به وبگاه شورای نگهبان، مشخص گردید که شورا چند ایراد کلی به طرح مصوب وارد کرده است: ضرورت دقت در تعریف مفاهیم؛ دقت در تطبیق احکام با موازین شرعی؛ لزوم دقت در رعایت اصول قانون اساسی. این ایرادات به نظر نمی‌رسد که نتیجه مطلوب داشته باشد) مسلماً اگر دستگاه‌های ذی‌ربط امنیتی کشور به‌موقع و به‌خوبی به رسالت خود عمل می‌کردند و جاسوسان و عوامل نفوذی اسرائیل و امریکا را در سطوح صدور یا ذیل شناسایی می‌نمودند، دیگر امروز رخنه‌ای برای نفوذ جاسوسان و عوامل نفوذی ایرانیان خودفروخته و بیگانگان مزدور نبود و در نتیجه، نیازی به قوانین عصر حجری آن چنانی نیز نمی‌بود. مطالعه سطحی و نه ژرفنای این لایحه، کافی است تا شما را به عمق این مشکلات آشنا سازد.

در پایان از خداوند متعال مسئلت دارد به حرمت این روزهای عزیز، ملت شریف ایران را از بلایای سوءمدیریت تقنینی، قضایی و اجرایی داخلی، مخصوصاً در زمینه مسائل نظامی – امنیتی از یک‌سو و انواع هجمه‌ها و تهاجمات خارجی از سوی دیگر بازدارد و مصون نگه دارد و آنچه به صلاح و مصلحت ایران و ایرانی است را تحقق بخشاید.

نتیجه گیری و توصیه ها

منازعه اخیر ایران و اسرائیل، در کنار ابعاد سیاسی و نظامی خود، چالش‌های عمیقی را در برابر اصول و قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل قرار داده است. سخنرانی‌های ارائه شده به وضوح نشان می‌دهد که چگونه برخی دولت‌ها، به‌ویژه ایالات متحده و اسرائیل، در صدد بازتعریف و اعمال

بدعت‌آمیز مفاهیم حقوقی مانند دفاع مشروع پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه هستند که اساس اصل عدم توسل به زور را تضعیف می‌کند. از سوی دیگر، این منازعه پیچیدگی‌های مفهوم تهدید به زور را آشکار ساخت، به‌ویژه در مورد اعتبار و انتساب شعارهای سیاسی که می‌توانند به عنوان مستند سوء استفاده حقوقی دولتهایی برای توجیه حملات مورد قرار گیرند. در حوزه حقوق بشردوستانه نیز، تفاسیر متضادی درباره آغاز مخاصمه مسلحانه، مشروعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای، و تعریف «مشارکت مستقیم در مخاصمه» مطرح شده که نیازمند دقت و مقابله فعال با «جنگ روایت‌ها» است. در نهایت، روابط پیچیده و تاریخی ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به‌ویژه در مورد سایت‌های اعلام‌نشده و سطح غنی‌سازی، همواره به عنوان بستری برای تنش‌ها و بهانه‌ای برای اقدامات نظامی عمل کرده است.

علی‌رغم یأس و سکوت جامعه بین‌المللی در برابر این نقض‌ها، حقوق بین‌الملل همچنان ابزاری حیاتی برای کشورهایی نظیر ایران است تا بتوانند اقدامات ناقض قانون را محکوم کرده و مشروعیت مواضع خود را حفظ کنند. بر این اساس، توصیه‌های استراتژیک زیر قابل ارائه است:

- دفاع فعال از اصل عدم توسل به زور: ایران باید به‌طور مستمر و فعالانه از اصل بنیادین عدم توسل به زور و ماده ۵۱ منشور ملل متحد دفاع کند و در برابر هرگونه تفسیر بدعت‌آمیز، به‌ویژه دفاع مشروع پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه، ایستادگی نماید. این امر مستلزم فعالیت دیپلماتیک گسترده و همسویی با سایر کشورهایی است که منافعشان با نقض این اصول در خطر است.
- تبیین دقیق و مستند حقوق بین‌الملل بشردوستانه: ایران باید در مجامع حقوقی و بین‌المللی، به طور فعالانه و با تکیه بر استدلال‌های فنی و حقوقی، به مقابله با تفاسیر نادرست و جهت‌دار از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه بپردازد. سرمایه‌گذاری بر روی پژوهش و تولید ادبیات حقوقی دقیق و مستدل در این زمینه‌ها حیاتی است.
- تجدید نظر در قوانین داخلی شتاب‌زده: لازم است قوانین داخلی مربوط به امنیت ملی و جاسوسی، به‌ویژه طرح‌های اخیر، از منظر انطباق با اصول دموکراتیک قانون‌گذاری،

حقوق کیفری مدرن، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، مورد تجدید نظر قرار گیرند. تصویب قوانین شتاب‌زده و غیرمنطبق با این اصول می‌تواند به اعتبار حقوقی کشور در صحنه بین‌المللی لطمه وارد کند.

- مدیریت شفاف و هوشمندانه روابط با آژانس: ایران باید با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با شفافیت و هوشمندی بیشتری تعامل کند. ارائه توضیحات فنی معتبر در مورد سایت‌های اعلام‌نشده و هدف از غنی‌سازی ۶۰ درصدی، می‌تواند به رفع ابهامات کمک کرده و بهانه‌های طرف مقابل برای اقدامات خصمانه را از بین ببرد. این رویکرد، در کنار حفظ حقوق هسته‌ای صلح‌آمیز کشور، می‌تواند امنیت ملی را تقویت کند.